

The Role of Fitrah (Human Innate Nature) in Human Psychological Development from the Perspective of Islamic Sources*

Mohammad Reza Ahmadi Mohammadabadi

Khomeini Educational and Research Institute



/ Associate Professor, Department of Psychology, Imam

m.r.ahmadi@iki.ac.ir

Received: 2025/12/01 - **Accepted:** 2026/05/04

Abstract

Contemporary psychology identifies heredity, environment, the interaction between heredity and environment, as well as free will, as factors influencing human development. On the other hand, Islamic teachings consider humans to have a unique and special creation and introduce changes in them, alongside the aforementioned factors, as arising from the nature of their creation, or what is termed fitrah (innate disposition). The aim of the present study, while acknowledging the role of metaphysical factors such as God, angels, and Satan, is solely to explain the role of fitrah in human psychological development and transformations within the framework of Islamic sources. This research, conducted using a descriptive-analytical method, studied and analyzed the factors influencing human development by relying on psychological sources and Islamic sources (including verses and narrations). To this end, first, psychological perspectives on the factors of human psychological transformations were collected and categorized; then, Quranic verses, credible commentaries, and Islamic narrations were consulted; subsequently, the factors influencing human development from the perspective of Islamic sources were subjected to content analysis and summarized. The findings of the research showed: first, that psychologists limit the factors influencing human psychological development to four factors: heredity, environment, the interaction between heredity and environment, and will; second, from the perspective of Islamic sources, in addition to these four factors, the factor of fitrah also influences human psychological development and transformations, a factor that has not been addressed in contemporary psychology.

Keywords: Development, Fitrah (Innate Nature), Heredity, Free Will, Human Free Will, Factors Influencing Development.

نقش فطرت در تحول روان‌شناختی انسان از منظر منابع اسلامی*

m.r.ahmadi@iki.ac.ir

محمد رضا احمدی محمدآبادی  / دانشیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۰ - پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۱۴

چکیده

دانش روان‌شناسی معاصر، وراثت، محیط، تعامل وراثت و محیط و همچنین اختیار را عوامل مؤثر بر تحول انسان می‌داند. از طرف دیگر، آموزه‌های اسلام انسان را دارای خلقتی ویژه و منحصر به فرد دانسته و تغییرات در وی را در کنار عوامل پیش گفته بر خاسته از نوع خلقتش و به اصطلاح فطرت معرفی می‌کند. هدف پژوهش حاضر ضمن اذعان به نقش عوامل فرامادی مانند خدا، ملائکه و شیطان، صرفاً تبیین نقش فطرت بر تحول و دگرگونی‌های روان‌شناختی انسان در چهارچوب منابع اسلامی است. این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی انجام شد، با تکیه بر منابع روان‌شناسی و منابع اسلامی (اعم از آیات و روایات) عوامل مؤثر بر رشد مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بدین منظور ابتدا دیدگاه‌های روان‌شناختی درباره عوامل دگرگونی‌های روان‌شناختی انسان جمع‌آوری و دسته‌بندی شد؛ سپس به آیات قرآن، تفاسیر معتبر و روایات اسلامی مراجعه شد و در ادامه عوامل مؤثر بر رشد انسان از دیدگاه منابع اسلامی مورد تحلیل محتوایی و جمع‌بندی قرار گرفت. یافته‌های تحقیق نشان داد: اولاً روان‌شناسان عوامل مؤثر بر تحول روان‌شناختی انسان را در چهار عامل وراثت، محیط، تعامل وراثت و محیط، و اراده منحصر می‌دانند؛ ثانیاً از منظر منابع اسلامی علاوه بر این عوامل چهارگانه، عامل فطرت نیز بر تحول و دگرگونی‌های روان‌شناختی انسان تأثیرگذار هستند که در روان‌شناسی معاصر از آن سخنی به میان نیامده است.

کلیدواژه‌ها: تحول، فطرت، وراثت، اختیار، اراده آزاد انسان، عوامل مؤثر بر تحول.

روان‌شناسان عوامل مؤثر بر تحول و دگرگونی‌های روان‌شناختی انسان را به‌طور کلی چهار عامل وراثت (Heredity)، محیط (Environment)، تعامل وراثت و محیط (Hoffman, scott and Elizabeth, 1994) و همچنین اختیار (Schultz & Schultz, 2009) دانسته‌اند. عامل پدیدآور ویژگی‌های بدنی و برخی اختلالات روان‌شناختی مانند اختلالات یادگیری و اسکیزوفرنی را عمدتاً پایه‌های زیستی و وراثت می‌دانند (Wood, Karen & Kieron, 2006). عوامل محیطی اعم از محیط فیزیکی مانند رحم مادر در دوران پیش از تولد و عوامل اجتماعی، بعد از تولد می‌باشد. تعامل وراثت و محیط که در روان‌شناسی مرضی از آن با عنوان «فرضیه سرشت آسیب‌پذیر - استرس محیطی» (diathesis - stress) یاد می‌شود نیز، یکی از عوامل است. طبق این فرضیه تعامل میان سرشت آسیب‌پذیر افراد و ناگواری‌های پدیدآمده در زندگی، موجب پدید آمدن اختلالات روانی می‌شود (Davison and John, 2001). روان‌شناسان انسان‌گرا نیز با رویکردی جدید به ماهیت انسان و ویژگی‌های او، بر عامل اراده آزاد و اختیار وی تأکید می‌کنند. انسان‌گرایان بر این باورند که: «ما برای انتخاب کردن بهترین راه ارضا کردن نیازهای خود و تحقق بخشیدن به استعداد خویش، از اراده آزاد برخورداریم. ما می‌توانیم خود شکوفاشونده‌ای را به وجود آورده یا اینکه از دنبال کردن این حالت عالی پیشرفت خودداری کنیم؛ بنابراین ما مسئول هر سطحی از رشد شخصیت هستیم که به آن می‌رسیم» (شولتز و شولتز، ۱۳۸۶).

قلمرو تأثیرگذاری هریک از این عوامل همیشه مورد توجه و مطالعه روان‌شناسان بوده و هست. برخی ویژگی‌ها طی فرآیند وراثت، از یک نسل به نسل بعد انتقال می‌یابد. این انتقال ارثی از طریق ژن‌ها و کروموزم‌ها انجام می‌گیرد. بر همین اساس ویژگی‌های فیزیکی و فیزیولوژیک (مثل وزن، قد و شکل ظاهری) و برخی ویژگی‌های روانی (همچون ۱۵۰ نقص ژنتیکی شناخته‌شده)، از ویژگی‌های متأثر از وراثت است. منابع اسلامی نقش وراثت را به رسمیت می‌شناسد؛ مثلاً پیامبر اکرم ﷺ نیز درباره تأثیر ویژگی‌های ارثی از نسل‌های قبل و انتقال آنها به نسل‌های بعدی می‌فرماید: «وَأَنْظُرْ فِي أَيْ نِصَابٍ تَضَعُ وَلَدَكَ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵ ص ۲۲۵۸)، یا در روایت دیگر می‌فرماید: «تَزَوَّجُوا فِي الْحِجْرِ الصَّالِحِ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ» (متقی، ۱۴۰۵ ص ۴۳۵).

محیط نیز به‌عنوان یک عامل تأثیرگذار آثار گوناگونی در ابعاد رشد فرد بر جای می‌گذارد. مهم‌ترین آنها را می‌توان در این موارد خلاصه کرد: تأثیر بر رشد و شکوفایی استعدادها، شکل و جهت‌دهی به رفتار، الگودهی، آموزش، انتقال ارزش‌های اخلاقی، انتقال آداب و رسوم، ارزش‌ها و قوانین اجتماعی (مصباح و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۲۰۴-۲۲۲). در مجموع هریک از دو عامل وراثت و محیط در ایجاد ویژگی‌های فردی انسان اثرگذار است؛ هرچند یافته‌های علمی درباره قلمرو تأثیرگذاری هریک از وراثت و محیط نیازمند پژوهش‌های بیشتری است. در منابع اسلامی بر نقش عوامل محیطی در رشد انسان تأکید می‌شود؛ چه عوامل اثرگذار قبل از تولد و چه عوامل تأثیرگذار پس از تولد. امام صادق ﷺ درباره نقش محیط پیش از تولد، به‌ویژه چگونگی تغذیه جنین در رحم مادر می‌فرماید:

ببینید چگونه جنین در رحم مادر تدبیر می‌شود! در تاریکی‌های سه‌گانه شکم، تاریکی رحم و تاریکی مشیمه؛ جایی که او برای به‌دست آوردن مواد غذایی، جلوگیری از نامالایمات و جلب سودمندی‌ها هیچ راهی ندارد، و چگونه خونی که در رحم مادر است به‌سوی او جریان می‌یابد و همچون آبی که گیاه را رشد می‌دهد، جنین را تغذیه می‌کند..... ببینید اگر این خون به‌سوی او جریان نمی‌یافت در زمان کوتاهی پژمرده و خشک می‌شد! (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۶۲).

همچنین قرآن درباره نقش محیط پس از تولد در قلمرو رشد شناختی می‌فرماید: «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (نحل: ۷۹). انسان در بدو تولد، از مجموعه شناخت‌هایی که از راه علم حصولی به‌دست می‌آورد، هیچ شناختی ندارد و هیچ نمی‌داند. در واقع، پس از تولد این محیط بیرونی است که انسان تحت تأثیر آن تغییر و تحول پیدا می‌کند.

برخی از روان‌شناسان تعامل وراثت و محیط را به‌عنوان عامل مستقل (غیر از دو عامل وراثت و محیط) در رشد معرفی می‌کنند (بی‌ریا و همکاران، ۱۳۸۸). با این پیش‌فرض، «تعامل وراثت و محیط» عامل سوم مؤثر بر رشد شناخته خواهد شد که قلمرو اثرگذاری آن نیز به موارد تعاملی بین این دو عامل اصلی (وراثت و محیط) منحصر خواهد شد. منابع اسلامی نقش تعاملی وراثت و محیط را به رسمیت می‌شناسد. قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ كُلُّ يَعْمَلْ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ» (اسراء: ۸۲)؛ بگو هر فردی مطابق شاکله‌اش رفتار می‌کند. علامه طباطبائی در تفسیر این آیه می‌فرماید: «منظور از شاکله، شکل ویژه روانی هر فرد است که در نتیجه تعامل استعدادهای ذاتی و شرایط فرهنگی - اجتماعی حاصل می‌شود و رفتارهای انسان را جهت می‌دهد». شاهد دیگر از منابع اسلامی برای نقش تعاملی وراثت و محیط، آیه ۵۰ سوره طه است که می‌فرماید: «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ». در این آیه خدای متعال به یکی از مصادیق بارز هدایت تکوینی اشاره می‌فرماید: «پروردگار ما کسی است که خلقت هر چیزی را به آن داد و سپس آن را هدایت کرد». آیت‌الله مشکینی در توضیح و تفسیر این آیه می‌نویسد:

مواد اولیه هر میوه و دانه‌ای به‌تدریج صورت نوعی آن را عطا کرده و به‌سوی آثار و خواص هدایت تکوینی نموده، و بر نطفه هر حیوانی به‌تدریج صورت نوعی آن را بخشیده و سپس بر طبق اقتضای قوای او هدایت تکوینی کرده، و بر صاحبان عقل حالت درک کلیات و خوب و بد داده و سپس آنان را به‌سوی معارف دین هدایت تشریعی نموده است (مشکینی، ۱۳۸۰).

اما با ورود عامل اراده و اختیار به جمع عوامل تأثیرگذار بر رشد، روشن می‌شود چهارمین عامل مؤثر بر رشد انسان، عامل اراده و اختیار است که قلمرو اثرگذاری آن، افعال و کنش‌های اختیاری انسان خواهد بود. بر اساس منابع اسلامی اراده و اختیار آزاد انسان در قلمرو رفتارهای آگاهانه و اختیاری، عامل فعال و تعیین‌کننده‌ای است. امام صادق (ع) شرایط و مقدمات یک رفتار آگاهانه و اختیاری را نبودن موانع محیطی و اجتماعی، سلامت جسمی، رشد طبیعی، ساختار فیزیکی بدن، و بالاخره فراهم شدن موضوع و متعلق رفتار برمی‌شمارند. آماده شدن همه این شرایط، شخص را مجبور نمی‌کند که حتماً رفتاری از او سر بزند، بلکه این خود اوست که در آخرین مرحله نیز می‌تواند میان انجام یا ترک یک رفتار، یکی را انتخاب کند (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۸).

از طرف دیگر، برخی ویژگی‌های عام و مشترکی در انسان وجود دارد که نمی‌توان به یکی از عوامل چهارگانه پایه‌های زیستی، پایه‌های محیطی، تعامل وراثت و محیط یا پایه‌های ارادی نسبت داد و در قلمروی یکی از عوامل چندگانه قرار داد. این ویژگی‌های عام و مشترک در ادبیات روان‌شناسی معاصر به «سرشت مشترک» نام برده می‌شود. انسان دارای خلقتی ویژه و فراحوانی است؛ به‌طوری‌که به دلیل داشتن همین ویژگی‌ها و خصوصیات نوع انسان از سایر انواع حیوانی کاملاً متمایز می‌شود. بنابراین انسان از خلقت ویژه و جنبه‌های فراحوانی برخوردار است؛ قابلیت‌ها و توانمندی‌هایی که شبیه آن در سائر موجودات مشاهده نمی‌شود. این خلقت ویژه و جنبه‌های فراحوانی که در دو طبقه بینشی و گرایشی دسته‌بندی شده، از «سرشت مشترک» در تمام انسان‌ها حکایت می‌کند. اکنون سؤال این است که آیا عوامل مؤثر بر تحول و دگرگونی‌های انسانی منحصر به همان چهار عاملی هستند که روان‌شناسان ذکر کرده‌اند؟ آیا بر اساس منابع اسلامی، می‌توان از عوامل دیگری نام برد که در کنار عوامل ذکرشده در روان‌شناسی بر تحول روان‌شناختی انسان تأثیرگذار باشد؟ تحقیق حاضر درصدد آن است که با مراجعه به منابع اسلامی و ضمن اذعان به نقش عوامل فرامادی مانند خدا، ملائکه و شیطان، صرفاً به نقش فطرت در رشد و تحول انسان بپردازد.

روش پژوهش

از آنجاکه پژوهش حاضر درصدد توسعه مجموعه دانسته‌های موجود درباره اصول و قوانین علمی است، این پژوهش به لحاظ هدف تحقیق در دسته پژوهش‌های بنیادی جای دارد و به لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها نیز، به روش «توصیفی - تحلیلی» انجام شد. در این تحقیق ابتدا توصیف عینی و کیفی محتوای مفاهیم، به‌صورت نظام‌دار انجام شد و سپس عناصر و مباحث مورد نظر، گردآوری و طبقه‌بندی شده و در ادامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و سپس نتیجه‌گیری شد. بدین منظور پژوهشگر به منابع معتبر اسلامی شامل قرآن، روایات اهل‌بیت^{علیهم‌السلام} و منابع روان‌شناختی در خصوص رویکردهای روان‌شناختی و مبانی فلسفی آنها مراجعه کرده و سپس به توصیف و تحلیل آن پرداخت.

یافته‌های پژوهش

قبل از پرداختن به عوامل مؤثر بر رشد انسان بر اساس منابع اسلامی، لازم است با نگاهی به اندیشه روان‌شناسان معاصر به عوامل مؤثر بر رشد در روان‌شناسی معاصر پرداخته شود.

۱. عوامل مؤثر بر رشد در روان‌شناسی معاصر

روان‌شناسان دو عامل طبیعت (nature) (ساختار ژنتیکی فرد) و تربیت (nurture) (محیط) را در تحول روان‌شناختی انسان مؤثر دانسته‌اند. این مسئله با عنوان طبیعت - تربیت (nature - nurture) در روان‌شناسی مطرح شده است. از آنجایی که روان‌شناسان تحولی تغییرات را در طول زمان بررسی می‌کنند، خود بر این باورند که رفتارهای انسان بر

دو عامل طبیعت و تربیت مبتنی هستند. این روان‌شناسان هرچند در سهم ژن‌ها و محیط در رقم زدن رفتار انسان اختلاف نظر دارند، بر یکی از دو عامل ژنتیکی یا محیطی در حوزه‌ای خاص از تحول بیشتر تأکید می‌کنند. به‌عنوان مثال، برخی روان‌شناسان بر این باورند که شخصیت به‌طور عمده از سرشت مادرزادی (طبیعت) کودک سرچشمه می‌گیرد. در مقابل، روان‌شناسان دیگر بر این باورند که تجربه‌های کودک، به‌ویژه تجربه‌های سال‌های اولیه زندگی (تربیت) بر شکل‌گیری شخصیت اثر عمده دارند (Hoffman, scott and Elizabeth, 1994). ولی واقعیت آن است که تحول انسان محصول عوامل متعدد و متعامل است و هر تبیینی که ارائه شود باید تفسیری یکپارچه نسبت به همه عوامل دخیل را دربر داشته باشد. وقتی سخن از عوامل وراثتی می‌شود نمی‌توان آنها را مستقل از عامل محیط دانست. در مقابل، اثرگذاری هر عامل محیطی نمی‌تواند مستقل و جدای از عوامل وراثتی فرد اثرگذاری و نقشی ایفا کند. آلپورت در تفسیر خود از «تعامل وراثت و محیط» معتقد است وراثت ناظر به ویژگی‌های بالقوه فرد است و عامل محیط شکوفاکننده آن خصائص می‌باشد (مصباح و همکاران، ۱۳۷۸، ص ۲۳۲).

الف) طبیعت؛ عوامل زیستی

روان‌شناسان رشد دو دسته عوامل زیستی را بر تحول مؤثر دانسته‌اند: ۱. عوامل اختصاصی مؤثر بر نوع؛ ۲. عوامل اختصاصی مؤثر بر فرد. عوامل اختصاصی ویژه نوع، عوامل ژنتیکی هستند که همه افراد یک نوع در آن مشترک‌اند. اینها همان عواملی هستند که ما را در زمره افراد انسان قرار می‌دهند و از اینکه مثل موجود زنده‌ای دیگری شویم جلوگیری می‌کنند. به‌عنوان مثال، همه نوزادان انسان برای تغذیه و مراقبت به کمک دیگران نیاز دارند. این واقعیت زیستی - ژنتیکی موجب می‌شود کودک انسان برای مدت طولانی نسبت به سایر انواع به مادر یا مراقب دیگری نیازمند باشد. دسته دوم از عوامل زیستی - ژنتیکی، عوامل وراثتی هستند و ویژه هر فرد می‌باشند. همین عوامل تفاوت‌های فردی را بر عهده دارند. تنها دوقلوهای همسان از ترکیبات ژنی واحدی برخوردارند؛ بنابراین عوامل وراثتی یکسانی دارند. بستگان دیگر این افراد ژن‌های مشترک کمتری دارند. دوقلوهای ناهمسان همانند غیردوقلوا اشتراکشان در عوامل ژنی متوسط است. این دو دسته عوامل ژنتیکی بهره ما از طبیعت هستند که زمینه را برای روان‌شناسان رشد فراهم می‌آورند تا سهم طبیعت را بر شباهت‌ها و تفاوت‌های انسانی بررسی کنند (Hoffman, scott and Elizabeth, 1994).

عوامل زیستی از همان آغاز انعقاد نطفه تا مرگ بر انسان اثر می‌گذارند. این عوامل در برخی عرصه‌های رشد از قوت و اثرگذاری بیشتری برخوردارند. نحوه نشستن، ایستادن، راه رفتن به شدت بر رشد عضلات، اعصاب و مغز متکی هستند. کودکان همچنین نسبت به روابط اجتماعی، جست‌وجوی اطراف خود و همچنین اکتساب زبان به میزان زیادی از عوامل زیستی متأثر می‌شوند. در صورتی که کودک کمبود فوق‌العاده‌ای نداشته باشد، ویژگی‌های وراثتی چنان فرزند را مهیا می‌کنند که این توانمندی‌ها در محیط طبیعی در او در هر شرایطی پرورش می‌یابند (Hoffman, 1994).

(ب) تربیت؛ عوامل محیطی

عوامل محیطی به عوامل فیزیکی و اجتماعی تقسیم می‌شوند. محیط فیزیکی شامل رحم مادر تا همسایه و مزرعه نزدیک به ما را شامل می‌شود. محیط اجتماعی نیز دیگر افراد و مؤسسات اجتماعی را دربر می‌گیرد. عوامل محیطی به عوامل تأثیرگذار شخصی و جمعی تقسیم می‌شوند. عوامل شخصی عبارت‌اند از عواملی که صورت غیر قابل انتظار برای فرد به وجود می‌آیند و او را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این عوامل خوشایند یا ناخوشایند، برای فرد مسیری متفاوت با دیگر افراد رقم می‌زنند؛ عواملی مانند برخورداری شدن از معلمی استثنایی در دوران تحصیل، تصادف و قطع نخاع شدن در یک تصادف شدید، ورود به دانشگاهی خاص، ازدواج غیر قابل انتظار و طلاق و مانند آن را دربر می‌گیرد که هر کدام می‌تواند مسیر زندگی فردی را به صورت قابل توجه تغییر دهد. دسته دیگر عواملی هستند که به صورت یکسان بر همه افراد اثر می‌گذارند. این عوامل اموری مانند فرهنگ خاص مانند فرهنگ شهری، روستایی و قومی و دوران خاصی را دربر می‌گیرند که فرد در آن متولد می‌شود. این عوامل پدیدآور شباهت‌های انسانی هستند که افراد را مشابه همدیگر قرار می‌دهند. عوامل مهم محیطی می‌توانند آثار زیادی بر رشد بر جا بگذارند، ولی میزان اثرگذاری بستگی به زمان خاصی دارد که فرد در آن متولد می‌شود. هر فردی در واقع به گروه هم زمان خود به گونه‌ای شباهت پیدا می‌کند (Hoffman, 1994).

(ج) تعامل طبیعت و تربیت (وراثت و محیط)

اکثر دیدگاه‌های معاصر روان‌شناسی تعامل عوامل وراثتی و محیطی را به عنوان عامل سوم در شکل‌گیری دگرگونی‌های انسان مطرح کرده‌اند. نظریه‌های جدید درباره نقش وراثت و محیط در فرآیند رشد بر این باور است که محیط و وراثت به شکل تعاملی در رشد انسان اثر می‌گذارند. در واقع، دانشمندان قبلاً گمان می‌کردند که کودک به صورتی منفعل متأثر از محیط خویش است؛ همان‌طور که قطعه چوبی را می‌توان در نجاری به هر شکلی درآورد، اما امروزه روشن شده که محیط و ویژگی‌های به ارث برده از والدین، بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند و برحسب آنکه خصوصیات کودک چگونه باشد، واکنش خانواده و اطرافیان نسبت به او متفاوت خواهد بود؛ مثلاً رفتار مردم با کودکی که شاد و سرزنده است، نسبت به کودکی که چنین ویژگی‌هایی را ندارد، متفاوت است! یا برخورد مردم نسبت به دختر و پسر فرق دارد (سیف و همکاران، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۴۸). به همین جهت است که روان‌شناسان معاصر «تعامل وراثت و محیط» را به عنوان عامل سوم از عوامل مؤثر بر رشد، از آن نام می‌برند. به عبارت دیگر، اکثر دیدگاه‌های معاصر به جای طرح مستقل هر کدام از عوامل وراثت و محیط، تعامل این دو عامل را مطرح کرده‌اند (مصباح و همکاران، ۱۳۷۸، ص ۲۲۷)؛ همچنین وقتی در روان‌شناسی مرضی سخن از پدیدآیی برخی اختلالات روانی می‌شود، فرضیه سرشت وراثتی - محیط استرس‌زا (diathesis- stress hypothesis) را مطرح می‌شود، عوامل زیستی (وراثتی)، روان‌شناختی و محیطی را به هم پیوند می‌دهد که نشان‌دهنده نقش تعاملی آنهاست. این رویکرد بر تعامل میان

زمینه‌های وراثتی فرد برای بیماری‌ها و عوامل استرس‌زای محیطی تأکید دارد؛ یعنی سرشت وراثتی بر زمینه سرشتی در فرد دلالت می‌کند که زمینه را برای ابتلا به بیماری خاص در فرد فراهم می‌کند. به‌عنوان مثال، اختلالاتی مانند اسکیزوفنی (schizophrenia) به نظر می‌رسد زمینه آن به‌صورت وراثتی منتقل می‌شود؛ سپس عواملی مانند فقدان اکسیژن کافی در هنگام تولد، تغذیه نامناسب، آلودگی مادر به انواع ویروس‌ها و استعمال دخانیات در دوران بارداری، عواملی هستند که فرد را برای ابتلا به برخی بیماری‌ها آماده می‌کنند (Davison, John and Ann, 2004).

د) اراده آزاد یا اختیار انسان

روان‌شناسان انسان‌گرا اراده آزاد (free will) و توان انتخاب‌گری انسان را عامل اصلی دگرگونی‌های انسانی می‌دانند. به اعتقاد مزلو، هسته درونی شخصیت یا خود، تنها تا حدودی از راه کشف و ابراز استعدادهایی که در فرد نهاده شده، رشد می‌کند و بقیه آن نتیجه خلاقیت خود فرد است. هر فرد در مقام یک فرد انسان، عامل اصلی تعیین خود است. طرح این مفاهیم، برانگیزاننده تحقیقات و نگرش‌های جدیدی شد. روان‌شناسان تعدادی از انگیزه‌های عالی در انسان را توصیف نمودند. این انگیزه‌ها شامل انگیزه پیشرفت، انگیزه قدرت، انگیزه کمال، انگیزه شناخت و انگیزه تحقق خود می‌باشد. ویژگی این امیال عالی آن است که اختصاص به انسان دارد و اراده در شکوفایی آنها نقش عمده‌ای بازی می‌کند. بنابراین در یک سیر تدریجی توجه روان‌شناسان به اراده و اختیار به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر رشد و تعیین‌کننده آن، جلب شده است (Schultz & Sydney, 2009).

۲. عوامل مؤثر بر رشد از منظر منابع اسلامی

بر اساس آموزه‌های اسلام، انسان دارای خلقتی ویژه و منحصر به فرد می‌باشد که او را از همه موجودات از جمله تمام حیوانات متمایز می‌کند. او خلیفه خدا بر روی زمین است: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰)، به‌صورت اختصاصی امانت‌دار خداست: «أَنَا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (احزاب: ۳۰)؛ بدین معنی که انسان تجلیگاه همه کمالات خالق خود در مقیاس حداقل می‌باشد و در سایه اعتقادات صحیح، عمل صالح با اختیار و اراده و حرکت در مسیر کمال به اوج اخلاص و ولایت الهی دست می‌یابد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶ ص ۳۴۸) و به مجرای اراده خداوند تبدیل می‌شود (هلالی، ۱۳۸۰، ص ۸۶۰). سایر گونه‌ها هیچ کدام از این ظرفیت‌های ذاتی را ندارند. به خاطر همین ویژگی است که خداوند می‌فرماید: «او خدایی است که همه آنچه را [از نعمت‌ها] در زمین وجود دارد، برای شما [افراد انسان] آفرید؛ سپس به آسمان پرداخت و آنها را به‌صورت هفت آسمان مرتب نمود و او به هر چیز آگاه است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴). به نظر می‌رسد بر اساس منابع اسلامی علاوه بر پایه‌های زیستی، محیطی، ارادی و تعامل وراثت و محیط، عامل دیگری به نام عامل فطرت در رشد انسان مؤثر هستند. این عوامل عبارت‌اند از:

(الف) پایه‌های زیستی و وراثتی

انتقال صفات و خصوصیات موجودات زنده از یک نسل به نسل دیگر را که به آن وراثت می‌گویند، مورد توجه منابع اسلامی می‌باشد. ژن‌ها همان گونه که در ایجاد تفاوت‌های فردی نقش اساسی دارند، عوامل اصلی انتقال صفات والدین به فرزندان و ایجاد ویژگی‌های همانند میان افراد نیز به‌شمار می‌آیند. در روایات اسلامی به تأثیر پیچیده و رمزآلود ویژگی‌های والدین بر فرزندان و انتقال صفات فیزیکی، فیزیولوژیکی و صفات منش به نسل‌های بعدی توجه شده است. یکی از این شواهد تأکید منابع اسلامی دربارهٔ دقت در انتخاب همسر می‌باشد. امام صادق علیه السلام فرمود: «تَزَوَّجُوا فِي الْحَبْرِ الصَّالِحِ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ» (متقی، ۱۴۰۵ق، ص ۴۳۵)؛ با خانوادهٔ شایسته ازدواج کنید؛ زیرا خصائص و ویژگی‌های والدینی و اجدادی به نسل بعد منتقل می‌شوند.

(ب) پایه‌های محیطی

منابع اسلامی تأثیرگذاری محیط بر رشد را به رسمیت می‌شناسد. محیط اعم از محیط طبیعی، محیط اجتماعی، محیط خانوادگی و دیگر عوامل بیرونی هر کدام در قلمرو خاص نقش خود را ایفا می‌کنند. محیط خانوادگی به‌عنوان اولین محیط اجتماعی تأثیرات عمیقی در انتقال ارزش‌های اخلاقی، اجتماعی، باورهای دینی، و ارزش‌ها و نگرش‌ها در کودک دارد و والدین در تربیت فرزندان مسئولیت بسیار سنگینی دارند. نقش محیط خانواده حتی قبل از تشکیل خانوادهٔ جدید در سخنان رهبران دینی مورد توجه قرار داشته است. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در جواب شخصی که گفت می‌خواهم با فلان خانم ازدواج کنم، ولی خانواده‌اش به برخی رذائل اخلاقی مبتلا هستند، فرمود: «از سبزه‌هایی که در جاهای آلوده روئیده‌اند بپرهیز». شخص پرسید سبزهٔ روئیده در جای آلوده چیست؟ حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «ژن زیبایی که در خانواده‌ای نامناسب رشد یافته است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۳۲). همچنین نقش اجتماع و ارتباط‌های بیرونی و با همسالان از نگاه اهل بیت علیهم السلام اهمیت زیادی دارد. امیر المؤمنین علی علیه السلام می‌فرمایند: «الصَّدِيقُ أَفْضَلُ الذَّخَرَيْنِ وَمَنْ لَا صَدِيقَ لَهُ لَا ذُخْرَ لَهُ» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۵۸). همسالان را به منزلهٔ اندوخته‌ای پایان‌ناپذیر و مونس دلسوز به حساب می‌آورند.

(ج) تعامل پایه‌های وراثتی و محیطی

در آموزه‌های اسلامی دلایلی وجود دارد که نشان می‌دهد تعامل وراثت و محیط نیز، به‌عنوان عامل تأثیرگذار پذیرفته شده است. وراثت در گروهی از ویژگی‌های انسان، نقش زمینه‌سازی و تأمین ظرفیت‌ها و استعدادها را بر عهده دارد و عوامل محیطی آنها را به فعلیت می‌رساند. البته اگر مایه‌های اصلی ذاتی وجود نداشته باشد، عوامل محیطی به تنهایی کاری از پیش نمی‌برند؛ مثلاً می‌توان هوش، یادگیری، تربیت اجتماعی و رشد معنوی را از این قبیل امور دانست. شاید به همین دلیل باشد که از یک طرف امام رضا علیه السلام استعدادهای هوشی را هدیه‌ای الهی و غیر قابل اکتساب می‌دانند. ایشان می‌فرماید: «الْعَقْلُ حِبَاءٌ مِنَ اللَّهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۳)؛ از طرف دیگر امیر المؤمنین علی علیه السلام

می‌فرماید: «مَنْ تَكَلَّفَ الْعَقْلَ لَمْ يَزِدْ بِذَلِكَ إِلَّا جَهْلًا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۳). باروری و شکوفایی عقل و توانمندی‌های شناختی را منوط به یادگیری و فراهم کردن عوامل محیطی می‌شمارند؛ مثلاً رشد زبان، سخن گفتن و ویژگی‌های تکلم انسان یکی از قلمروهایی است که تحت تأثیر تعامل وراثت و محیط می‌باشد. هم پایه‌های زیستی و وراثتی در آن مؤثر است؛ چون جنبه بدنی و فیزیکی دارد، و هم پایه‌های محیطی و اکتسابی در آن نقش ایفا می‌کند؛ زیرا تکلم و کیفیت سخن گفتن متأثر از فرایندهای یادگیری و اکتسابی است.

د) پایه‌های ارادی

با مروری به منابع اسلامی روشن می‌شود که رشد برخی از ابعاد وجودی انسان در گرو رفتارهای اختیاری اوست و از آنجاکه رشد این جنبه‌ها آگاهانه تحقق می‌پذیرد، تحت تأثیر اختیار و اراده انسان است؛ در نتیجه، اراده و اختیار آزاد انسان در رشد این ابعاد انسان نقش اساسی بازی می‌کند. برخلاف رشد برخی دیگر از ابعاد انسان همچون ویژگی‌های بیولوژیکی و فیزیولوژیکی که از قلمرو اختیار انسان خارج است. به عنوان مثال، می‌توان به روایتی از امام صادق علیه السلام استناد کرد که اطاعت و عصیان انسان‌ها را امری ارادی و برخاسته از اختیار وی برمی‌شمارد و در مقابل برخی از ویژگی‌های انسان را خارج از اختیار انسان معرفی می‌کنند؛ مثلاً رشد شخصیت اخلاقی و معنوی انسان تحت سیطره و تدبیر اراده قرار می‌گیرد، ولی ویژگی‌های فیزیکی یا فیزیولوژیکی در اختیار انسان نیست و مورد سؤال و بازخواست قرار ندارد. امام صادق علیه السلام یک قاعده کلی به دست می‌دهند و می‌فرمایند:

مَا اسْتَطَعْتُ أَنْ تُلُومَ الْعَبْدَ عَلَيْهِ فُهْوَ مِنْهُ وَمَا لَمْ تَسْتَطِعْ أَنْ تُلُومَ الْعَبْدَ عَلَيْهِ فُهْوَ مِنْ فِعْلِ اللَّهِ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى لِلْعَبْدِ لِمَ عَصَيْتَ لِمَ فَسَقْتَ لِمَ شَرِبْتَ الْخَمْرَ لِمَ زَنَيْتَ فَهَذَا فِعْلُ الْعَبْدِ وَلَا يَقُولُ لَهُ لِمَ مَرَضْتُ لِمَ عُلُوتُ لِمَ قَصُرْتُ لِمَ ابْيَضَّتْ لِمَ اسْوَدَّتْ لِأَنَّهُ مِنْ فِعْلِ اللَّهِ تَعَالَى (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۵۹).

یعنی اگر توانستید فردی را بر انجام کاری سرزنش کنید، آن را می‌توانید به او نسبت دهید و بگویید این کار فرد است، اما اگر نتوانستید فرد را بر انجام آن سرزنش کنید، نمی‌توانید کار را به وی نسبت دهید.

بنابراین اراده و اختیار آزاد انسان در قلمرو رفتارهای آگاهانه و اختیاری انسان، عاملی تعیین‌کننده است. امام صادق علیه السلام ضمن تأکید بر این مسئله، شرایط و مقدمات یک رفتار آگاهانه اختیاری را شامل نبودن موانع محیطی و اجتماعی، سلامت بدنی، رشد طبیعی و ساختارهای فیزیکی، و بالاخره فراهم شدن موضوع و متعلق رفتار می‌شمارند، ولی آماده شدن همه این شرایط شخص را مجبور نمی‌کند که حتماً یک رفتاری از او سر بزند، بلکه خود اوست که در آخرین مرحله نیز می‌تواند میان انجام فعل یا ترک آن تصمیم گرفته و یکی از دو طرف فعل یا ترک را انتخاب نماید (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۵۹).

ه) فطرت

با مروری به آیات و روایات می‌توان به مضامینی دست یافت که به صراحت یا به طور ضمنی به عامل مؤثر دیگری بر

رشد انسان اشاره می‌کند. این عامل ویژه وجود انسانی می‌باشد و به‌عنوان طبیعت مشترک در نوع انسان نقش ایفا می‌کند که از آن به فطرت نام برده می‌شود.

واژه فطرت بر وزن فَعْلَه مصدر نوع است و بر نوع ویژه‌ای از آفرینش دلالت می‌کند، مانند جُلَسَه که نوع خاصی از نشستن را می‌رساند (ابن اثیر، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۴۵۷؛ طریحی، ۱۳۸۸). کلمه فطرت به معنای خلقت ویژه و ابتدایی است؛ یعنی آن اموری که انسان ابتدائاً و ذاتاً و به‌طور غیراکتسابی واجد آن بوده و فطری انسان می‌باشد. واژه فطرت مختص انسان است و برای اشاره به امور فراحوانی انسان استفاده می‌شود؛ همان‌طور که واژه غریزه به امور مادی و حیوانی او مربوط می‌شود. به‌هرحال، مهم آن است که انسانیت انسان تابع برخی جنبه‌ها و اموری است که به‌طور ذاتی، طبیعی و غیراکتسابی در انسان وجود دارد (واعظی، ۱۳۸۹، ص ۹۲). شهید مطهری فطرت انسان را به ویژگی‌هایی که در اصل خلقت و آفرینش انسان وجود دارد تفسیر می‌کند. وی می‌گوید:

در قرآن واژه «فطرت» در مورد انسان و رابطه او با دین آمده است: «فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» گونه‌ای خاص از آفرینش که خدا به انسان داده است، یعنی انسان به‌گونه‌ای خاص آفریده شده است. این کلمه‌ای که امروز می‌گویند ویژگی‌های انسان، اگر ما برای انسان یک سلسله ویژگی‌ها در اصل خلقت قائل باشیم، مفهوم فطرت را می‌دهد. فطرت انسان، یعنی ویژگی‌هایی که در اصل خلقت و آفرینش انسان (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۴۵۵).

شهید مطهری نیز بحث فطرت را جزو مسائل کلیدی معارف اسلامی می‌داند و عمده‌ترین دلایل گرایش بشر به دین و خدا را فطرت می‌داند. ایشان دلیل عمده یکی از اساسی‌ترین گرایش‌های انسان را عامل فطرت می‌داند، نه عامل وراثت، نه عامل محیط، نه عامل اراده و اختیار انسان، بلکه عامل عمده در این گرایش را فطرت دانسته است. بنابراین می‌توان از عامل دیگری (غیر از عوامل یادشده) در عوامل مؤثر بر گرایش‌های انسانی نام برد که در فرهنگ قرآنی به فطرت یاد می‌شود. فطرت همان نوع، چگونگی و هیئت شکل‌دهنده هویت انسانی است (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۴۵۵).

در تبیین این ادعا و ارائه مستندات آن می‌توان گفت انسان ساختار بدنی و روانی ویژه‌ای دارد که با قرار گرفتن در فضا و محیط پیرامون ناگزیر عملکرد ویژه‌ای را خواهد داشت. بر اساس آموزه‌های اسلامی ویژگی‌های فطری در انسان به‌گونه‌ای هستند که نوعیت نوع انسانی را می‌سازند و او را در دائرة گونه انسان حفظ می‌کنند و از دیگر گونه‌ها متمایز می‌نمایند. به همین معنا برخی آیات قرآن، از جمله آیات ۱۷۲-۱۷۳ سورة اعراف، آیه ۳۰ سورة روم و همچنین آیه ۷۳ از سورة احزاب دلالت می‌کند. چنان‌که از آیه ۳۰ سورة روم استفاده می‌شود انسان به صورتی آفریده شده است که به دین‌داری روی می‌آورد و در مسیر دین‌داری دین حنیف را انتخاب می‌کند. هدایتگر او نیز در این مسیر نحوه خلقت او می‌باشد (طباطبائی، ۱۳۸۹، ج ۱۶، ص ۱۷۸). به‌عبارت دیگر، ویژگی‌های فطری همان خصوصیات یا استعدادهایی هستند که هنگام انعقاد نطفه در کودک شکل گرفته و طی مراحل رشد بر اثر مواجهه با محیط بروز پیدا می‌کنند. سازمان بدنی انسانی به‌خصوص هیئت و ساختار مغزی، سازمان شناختی او، سازمان عاطفی و هیجانی و کمال‌طلبی او در زمره امور فطری انسان به‌حساب می‌آیند (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۴۱). این چگونگی و نحوه خاص در خلقت انسان را می‌توان در

برخی از آیات قرآن پیگیری کرد؛ مثلاً می‌فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً» (معارج: ۱۹) که به برخی ویژگی‌های اخلاقی و روان‌شناختی انسان دلالت می‌کند؛ یعنی «انسان حریص و کم‌طاقت آفریده شده است»؛ همچنین خدای متعال در جای دیگر ضمن اشاره به حالت کرنش و پرستش انسان در برابر معبود خود می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶)؛ من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند. این خصوصیات انسانی در واقع سازمان پایه‌ای هستند که زیرساخت‌های پایه برای رشد و تحول انسانی را می‌سازند.

در مجموع فطرت یا نوع و کیفیت خلقت موجودات، عاملی تأثیرگذار در کنار دیگر عوامل همچون وراثت، محیط، تعامل آنها با یکدیگر و اراده می‌باشد. آنچه که در تمام افراد یک نوع یافت می‌شود، تحت تأثیر این عامل است. سرشت مشترکی که در تمام افراد نوع انسانی نمودار می‌شود، از این عامل، یعنی نوع خلقت سرچشمه می‌گیرد. اگر نوع مورچه یا زنبور عسل ویژگی زندگی اجتماعی دارد و در تمام افراد آن این صفت یافت می‌شود و در طول زمان تغییری نکرده، ناشی از نوع خلقت آنها می‌باشد. همچنین اگر مراقبت و حمایتگری افراد نوع اسب از فرزندان خود زمانمند است، حاکی از یک ویژگی دائمی در تمام افراد نوع اسب می‌کند. زنبور عسل و مورچه از ویژگی زندگی جمعی برخوردارند؛ به‌طوری‌که برخی این حیوانات را حیوانات اجتماعی نامیده‌اند، یا حیوانات از غریزه حمایتگری از فرزندان خود صرفاً تا زمان محدودی پس از تولد برخوردارند، نظیر اسب که روحیه حمایتگری و مراقبت از بچه خود هرچه به تولد فرزندش نزدیک‌تر باشد بیشتر است، ولی پس از مدتی این مراقبت و محافظت از بچه خود کم‌رنگ می‌شود و پس از آنکه بچه‌اش توانست روی پای خود بایستد و از زمان تولدش مدتی گذشت، این ویژگی افول کرده و حتی ممکن است همچون یک بیگانه با همان فرزندش برخورد کند (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۴۹۱). انسان از یک سری ویژگی‌های مشترک در تمام افراد انسانی برخوردار است که حکایت از سرشت مشترکی در بین آنها دارد؛ مثلاً وقتی تمام انسان‌ها گرایش به حقیقت‌جویی دارند یا گرایش به خیر و فضیلت در تمام افراد انسان یافت می‌شود؛ همچنین گرایش به زیبایی یا گرایش به خلاقیت و ابداع یا گرایش به پرستش و نظایر آن در افراد انسانی، همه حکایت از وجود ویژگی‌های مشترک در انسان می‌کند. این خصوصیات در طول زمان نیز تغییر نکرده، هرچند ممکن است مصادیق آن متفاوت باشد و تحت تأثیر فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها یا در طول زمان شکل‌ها و قالب‌های گوناگونی به خود بگیرد، اما اصل وجود این گرایش‌ها در طول زمان و در مناطق مختلف جغرافیایی تبدیل و تغییری پیدا نکرده است (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۴۳).

بحث و نتیجه‌گیری

در مجموع پژوهش حاضر ضمن اذعان به نقش عوامل فرامادی مانند خدا، ملائکه و شیطان، به نظر می‌رسد از منظر منابع اسلامی، علاوه بر تأثیرگذاری عوامل چهارگانه (محیط، وراثت، تعامل آنها با یکدیگر و اختیار)، عامل پنجمی به نام فطرت در رشد و تحول انسان مؤثر می‌باشد که در منابع روان‌شناسی معاصر به آنها پرداخته نشده است. عوامل

زیستی شامل نحوه شکل‌گیری زیگوت (zygote)، تغذیه مادر و تغذیه بعد از تولد بر تحول کودک تأثیر گذارند؛ همان‌طور که در آموزه‌های اسلامی پذیرفته شده است. عوامل محیطی نیز، از جمله محیط طبیعی و همچنین محیط اجتماعی از عوامل تأثیرگذار بر رشد و تحول انسان می‌باشند. این عامل نیز مورد تأیید منابع اسلامی است. تعامل وراثت و محیط نیز، هم در منابع روان‌شناسی معاصر و هم در منابع اسلامی برخی از اندیشمندان به‌عنوان یک عامل اثرگذار در رشد سخن گفته‌اند. در منابع اسلامی می‌توان به برخی مستندات دینی استناد کرد؛ مثلاً در دوران پیامبر ﷺ رسم بر آن بود که کودکان را از محیط شهر به مناطق دور دست می‌بردند تا در آنجا هم از زنان اصیل شیر بخورند و هم ویژگی اصیل انسانی را فرا بگیرند؛ چنان‌که پیامبر ﷺ فرمود: «من از قریش هستم و در میان بنی‌سعد شیر خورده‌ام و این دو عامل دست‌به‌دست هم داده‌اند تا بهتر از همه حرف «ض» را تلفظ کنم». درباره نقش و اثرگذاری اراده و اختیار انسان در تحول و رشد بر اساس منابع اسلامی می‌توان گفت، در دین اسلام اراده و اختیار انسان برترین عامل رشد انسان شمرده شده است؛ به‌طوری‌که هیچ‌کدام از عوامل دیگر نمی‌توانند آن را مقهور خود نمایند. خداوند به‌صورت خاص در قرآن کسانی را به‌عنوان الگو می‌ستاید که با وجود محیط طبیعی نامناسب با تعقل و گزینش صحیح راهی غیر شیوه رایج برگزیده‌اند و در زمره رستگاران قرار گرفته‌اند؛ همچنین کسانی را مذمت می‌کند که برخلاف محیط طبیعی زندگی که محیط پیامبری بوده است بیراهه رفته‌اند و جز کافران شده‌اند. در قرآن آمده است: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نوحٍ وامْرَأَتَ لوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يَغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ» (تحریم: ۱۰)؛ یعنی خداوند برای کسانی که کافر شده‌اند به همسر نوح و همسر لوط مثل زده است، آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند، ولی به آن دو خیانت کردند و ارتباط با این دو [پیامبر] سودی به حالشان [در برابر عذاب الهی] نداشت، و به آنها گفته شد: وارد آتش شوید همراه کسانی که وارد می‌شوند! و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است، در آن هنگام که گفت: «پروردگارا! خانه‌ای برای من نزد خودت در بهشت بساز، و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش» و همچنین به مریم ؑ دختر عمران که دامن خود را پاک نگه داشت، و ما از روح خود در آن دمیدیم، او کلمات پروردگار و کتاب‌هایش را تصدیق کرد و از مطیعان فرمان خدا بود!

اما درباره نقش فطرت در شکل‌گیری تحول انسان می‌توان گفت، فطرت انسانی ویژگی‌های مشترک انسانی را در خود جا داده و از عوامل پایه در رشد و کمال انسانی می‌باشد. در واقع، به نظر می‌رسد این عامل همانند برنامه نرم‌افزاری است که روی برد اصلی رایانه نصب شده است که تمام برنامه‌هایی که وارد می‌شوند در چهارچوب آن برد معنی پیدا می‌کنند و دگرگون می‌شوند و خارج از برنامه برد اصلی چیزی را نمی‌شود روی رایانه قرار داد. به‌عنوان مثال، دوست داشتن و علاقه‌مندی به امور پیرامونی و سیری‌ناپذیری آن در انسان از امور فطری او می‌باشد. خداوند در روز قیامت بر همین امور فطری استدلال می‌کند و بندگان را مورد بازخواست قرار می‌دهد. در قرآن می‌خوانیم:

و [به خاطر بیاور] زمانی را که پروردگارت از پشت و صلب فرزندان آدم، ذریه آنها را برگرفت و آنها را گواه بر خویشین ساخت [و فرمود]: «آیا من پروردگار شما نیستم؟» گفتند: «آری، گواهی می‌دهیم!» [چنین کرد مبادا] روز رستاخیز بگویند: «ما از این غافل بودیم [و از پیمان فطری توحید بی‌خبر ماندیم]!» یا بگویند: «پدرانمان پیش از ما مشرک بودند، ما هم فرزندان بعد از آنها بودیم [و چاره‌ای جز پیروی از آنان نداشتیم] آیا ما را به آنچه باطل‌گرایان انجام دادند مجازات می‌کند؟!» این گونه، آیات را توضیح می‌دهیم و شاید به‌سوی حق بازگردند [و بدانند ندای توحید در درون جانشان از روز نخست بوده است]! (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴).

آیه شاکله نیز شاهد خوب و مناسبی است بر اینکه از منظر منابع اسلامی سرشت مشترک در انسان تحت تأثیر عاملی دیگر غیر از عوامل چهارگانه است. قرآن شکل‌گیری رفتار انسان‌ها را بر اساس هیئت و ساخت روانی افراد می‌داند و برای تبیین رفتار انسانی از واژه شاکله استفاده کرده است. خداوند می‌فرماید: «قُلْ كُلُّ عَمَلٍ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا» (اسراء: ۸۵). هر چند مفسرین معانی گوناگون و احتمالات متعددی برای این واژه مطرح کرده‌اند که عبارت‌اند از: ۱. نیت؛ ۲. خلق و خو؛ ۳. حاجت و نیاز؛ ۴. مذهب و طریق؛ ۵. هیئت و ساخت، ولی شاید بتوان معنای پنجم (هیئت و ساخت) را که متناسب با این مقام است، اتخاذ کرد؛ زیرا یکی از معانی شاکله که از ریشه شکل گرفته می‌شود به معنای هیئت و ریخت است؛ ضمن اینکه می‌توان تمامی معانی چهارگانه قبل را نیز به این معنای پنجم بازگرداند؛ یعنی تمامی آنها را به چگونگی ساخت روانی انسان ارجاع داد. هیئت روانی انسان مجموعه واحدی است که نیات از آن برمی‌خیزد، خلق و خوی حاصل آن است، مذهب بر اساس آن پذیرفته شده و خود موجد شکل‌پذیری آن می‌شود و بالاخره نیازها در بروز و ظهور خود متأثر از آن هستند. در این صورت معنای آیه چنین می‌شود: «[ای پیامبر] بگو هرکسی بر اساس شاکله (هیئت و ساخت روانی) خویش عمل می‌کند و خدای شما به کسی که راهش از هدایت بیشتر برخوردار است، داناتر است». هیئت و ساخت روانی انسان مجموعه واحدی است که پیوسته در حال تعامل با عوامل محیطی و وراثتی از یک‌سو و اراده و اختیار انسان از سویی دیگر است؛ از این رو می‌توان شاکله را به کمک این نکته چنین تعریف نمود: «شاکله عبارت است از ساخت و هیئت واحد روانی انسان است که در تعامل وراثت، محیط و اختیار شکل می‌گیرد». بنابراین هیئت ترکیبی بین این عوامل خود عامل مستقلى در تأثیرگذاری است. اگر هریک از این عوامل نام‌برده (وراثت، محیط و اراده) اثرگذار است، هیئت ترکیبی آنها نیز خود عامل دیگر در تأثیرگذاری است. به عبارت دیگر، هیئت ترکیبیه خود عامل ویژه‌ای است که می‌تواند در شکل‌گیری تغییرات انسان مؤثر باشد. بنابراین عامل پنجمی که می‌تواند در شکل‌گیری برخی ویژگی‌های انسان (سرشت مشترک انسان‌ها) نقش اساسی ایفا کند، عاملی به نام عامل فطرت است.

یافته‌های پژوهش حاضر را می‌توان با مفهوم ناهشیار جمعی در نظریه یونگ شبیه دانست. به اعتقاد یونگ در ناهشیار جمعی، نوع انسان به‌عنوان یک کل، تجربه‌های انواع انسانی و ما قبل انسان را نگهداری می‌کند و این تجربه‌های تراکمی را به نسل‌های بعدی انتقال می‌دهد؛ بنابراین ناهشیار جمعی مخزن تمام تجربه‌های نوع انسان

است که به هر کدام از ما منتقل شده است. این مخزن شامل فهرست کاملی از تجربی است که تکامل انسان را مشخص می‌کند و در مغز هر انسان و در هر نسل دوباره تکرار می‌شود (شولتز، ۱۳۸۶، ص ۱۱۳). وی درباره تأثیرگذاری ناهشیار جمعی معتقد است گذشته اولیه و ابتدایی انسان‌ها، مبنای عمده روان شخص شده و رفتار فعلی او را جهت داده و بر آن تأثیر می‌گذارد. بنابراین در دیدگاه یونگ یک ارتباط مشخص بین شخصیت فعلی شخص و گذشته وی، یعنی سال‌های اولیه و کودکی شخص و همچنین با کل انواع وجود دارد (شولتز، ۱۳۸۹، ص ۱۱۳).

منابع

- قرآن کریم. ترجمه ناصر مکارم شیرازی (۱۳۷۳). قم: دار القرآن الکریم.
- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۸۶). *النهاية فی غریب الحديث و الاثر*. تهران: علم.
- بیریا و همکاران (۱۳۸۸). *روانشناسی رشد با نگرشی به منابع اسلامی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سیف، سوسن و همکاران (۱۳۸۷). *روانشناسی رشد*. تهران: سمت.
- شولتر، دوان پی (۱۳۸۹). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه یوسف کریمی. تهران: ارسباران.
- شولتر، دوان پی و شولتر، سیدنی ال (۱۳۸۶). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: ویرایش.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: جامعه مدرسن.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۸۸). *مجمع البحرین*. بیروت: منشورات الاعلمی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- متقی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۰۵ق). *کنز العمال*. بیروت: مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۲). *بحارالانوار*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۵). *میزان الحکمه*. قم: دار الحديث.
- مزلو، ابراهام (۱۳۷۴). *افق‌های ولاتر فطرت انسان*. ترجمه احمد رضوانی. مشهد: آستان قدس.
- مشکینی، علی (بی‌تا). *تکامل در قرآن*. ترجمه ق. حسین‌نژاد. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰). *به‌سوی خودسازی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مصباح، علی و همکاران (۱۳۷۴). *روانشناسی رشد با نگرشی به منابع اسلامی*. تهران: سمت.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). *فطرت*. تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- واعظی، احمد (۱۳۸۹). *انسان‌شناسی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- هلالی، سلیم بن قیس (۱۳۸۰). *کتاب سلیم بن قیس الیهلالی*. مصحح: محمد انصاری خوئینی. قم: الهادی.
- Davison Gerald, C., John, M. Neale and Ann M. KrinG (2004). *Abnormal Psychology: Ninth Edition*. John Wiley & Sons, Inc. United States of America.
- Davison, Gerald C. and John, M. Neale (2001). *Abnormal Psychology; Eighth Edition*. John Wiley & Sons, Inc. Publication New York: John Wiley
- Hoffman, Lois, scott, Paris and Elizabeth, Hall (1994). *Developmental Psychology Today*. New York. McGraw. Hill. INC.
- Schultz, Duane P. & Sydney Ellen Schultz (2009). *Theories of Personality*. United States of America. Wadsworth.
- Willig, Carla and Wendy Stainton- Rogers (2008). *The Sage Handbook of Qualitative Research in Psycholoy*. London: Sage Publications.
- Wood, Clare, Karen, Littleton and Kieron, Sheehy (2006). *Developmental psychology in Action*. UK. BlackWell Publishing.